

شیوه‌های عضوگیری نهضت آزادی (۱۳۴۲-۱۳۵۷)

عباس کشاورز شکری*

محمد رحمتی**

چکیده

سؤال اصلی این تحقیق چگونگی و شیوه‌های عضوگیری نهضت آزادی است. روش این پژوهش تاریخی است که از انواع روش‌های تحقیق کیفی است و ابزار اصلی مورد استفاده، بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق است. همچنین به‌عنوان مکمل از روش تحلیل اسنادی نیز استفاده شده است. برای این تحقیق از قبل نظریه‌ای در نظر گرفته نشد و تلاش شد که ابتدا براساس

; عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه شاهد (abbaskeshavarz1@yahoo.com)

; دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

تاریخ تصویب: ۹۲/۲/۴

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۱۰

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هشتم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۶۰-۱۳۳

مطالعه اسنادِ گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی، مدلی تهیه شود و سپس براساس یافته‌های تجربی به دست‌آمده از مصاحبه‌های عملی، مدل اولیه براساس استقراء، کامل شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سران این گروه، از طبقه متوسط جدید محسوب می‌شدند، لکن غالب عضوگیری‌ها از دانشجویان طبقات متوسط و متوسط به پایین بوده و در سطح غیردانشجویی توانستند بازاریانِ روشنفکر را جذب کنند. در جذب کارگران، ناموفق بودند و توفیق چندانی در عضوگیری از زنان نداشتند. در عضوگیری‌ها، تأثیر بالای کاریزما، رهبران و منتسبان به گروه، به‌وضوح مشاهده می‌شود. بسترهای عمده عضوگیری، انجمن‌های اسلامی و مسجد هدایت بود.

واژگان کلیدی: نهضت آزادی، مدل عضوگیری، کاریزما، مسجد، حزب، انجمن اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آنچه در انقلاب اسلامی از اهمیت بسیاری برخوردار است و محققان انقلاب اسلامی داخلی و خارجی به ندرت بدان پرداخته‌اند، چگونگی و شیوه‌های جذب و عضوگیری گروه‌های انقلابی است. احزاب و گروه‌ها در پی تأثیرگذاری بر محیط اطراف خود هستند و به همین دلیل نیازمند داشتن ارتباط با دیگران هستند. این امر از طریق گسترش حلقه‌های اعضا و هوادارن صورت می‌گیرد (بلاندل، ۱۹۹۰). قدرت یک گروه از طریق عوامل متعددی تعیین می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: میزان عضویت، منابع مالی، کیفیت رهبری، ظرفیت سازمانی، پیوستگی وضعیت گروه و تناسب ایدئولوژیکی گروه (یا حزب) با ایدئولوژی جامعه (پالمر و دیگران، ۱۳۷۱: ص ۵۲). در طرح مفهومی گابریل آلموند (آلموند و کلمن، ۱۹۶۰) عضوگیری یکی از مهم‌ترین نقش‌های همه سیستم‌های سیاسی است. به علاوه همان‌طور که لستر سلیگمن اشاره می‌کند، عضوگیری نقشی است که «گروه‌های سیاسی به عنوان یک نقش خاص و گاهی منحصر به فرد بازی می‌کنند». نقش گروه‌های سیاسی در فرایند عضوگیری طیف وسیعی از کارکنان (اعضا، فعالان، مقامات رسمی...) و نقش‌ها و متغیرها (محیطی، سازمانی، و شخصی) را شامل می‌شود (سلیگمن، ۱۹۶۷: ۳۱۵).

در این مقاله نحوه عضوگیری نهضت آزادی بررسی شده است. این موضوعی است که تا به حال به آن پرداخته نشده و به لحاظ نظری حائز اهمیت است. برای انجام این موضوع ابتدا مدلی نظری طراحی و براساس آن سؤالاتی طرح شد. سپس با استفاده از روش مصاحبه عمیق تلاش شد تا شیوه عضوگیری این گروه سیاسی مشخص شود.

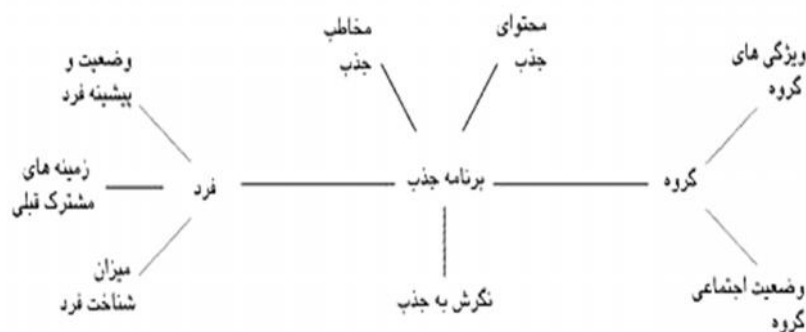
درواقع در روش کیفی باور بر آن است که «واقعیت‌ها در جامعه ساخته می‌شوند و محقق باید با نگاهی نزدیک و فرایندی به مطالعه پدیده‌ها بپردازد؛ درحالی‌که بسیاری از پژوهشگران کمی، رسالت خود را کشف واقعیت‌های ازپیش‌موجود بین پدیده‌ها می‌دانند» (اووه، ۱۳۸۸: ۱۳). با سیری در روش‌های کیفی، مناسب‌ترین روش برای موضوع حاضر، روش پژوهش تاریخی تشخیص داده شد که به‌عنوان مکمل از روش تحلیل اسنادی نیز استفاده شده است. ابزار اصلی مورد استفاده، مصاحبه عمیق است که از جمله ابزار روش‌های کیفی است. البته به‌منظور غنا بخشیدن به مصاحبه‌ها یا در صورتی که به افراد مورد نظر دسترسی نداشتیم، از روش تحلیل اسنادی مثل خاطرات و کتاب‌ها و غیره نیز استفاده شد.

۱. چارچوب نظری

با توجه به اینکه در روش‌های کیفی، هدف تحقیق، متفاوت از روش‌های کمی می‌باشد و این تفاوت در هدف، به‌واسطه پیچیده‌تر شدن و سرعت تغییرات اجتماعی می‌باشد: «تغییرات سریع اجتماعی و در نتیجه آن تنوع زیست‌جهان‌ها به شکل روزافزونی محققان اجتماعی را با زمینه‌های اجتماعی و دیدگاه‌های جدیدی مواجه می‌کنند... از این رو، تحقیق اجتماعی به شکل فزاینده‌ای وادار به استفاده از استراتژی‌های استقرایی شده است» (اووه، ۱۳۸۸: ۱۳).

بنابراین برای این تحقیق از قبل نظریه‌ای در نظر گرفته نشد و تلاش شد که ابتدا براساس مطالعه اسناد گروه‌ها و سازمان‌های انقلابی، مدلی تهیه شود و سپس براساس یافته‌های تجربی به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های عملی، مدل اولیه براساس استقراء، کامل شود. مدل زیر نتیجه چنین تلاشی است (لازم به ذکر است که با مطالعه پیشینه تحقیق و مباحث مربوط به سازمان‌ها و گروه‌های انقلابی، نظریه‌ای درباره شیوه عضوگیری گروه‌های انقلابی به‌دست نیامد. تنها مدل نزدیک به بحث این مقاله، مدل بسیج چارلز تیلی است که وی در مبحث سازمان، به چگونگی عضوگیری پرداخته است).

نمودار شماره ۱. مدل عوامل دخیل در عضوگیری گروه



۲. تعریف مفاهیم مدل

گروه: در مدل فوق گروه، شامل موارد ذیل می باشد: خدمات درون گروهی، وجهه اجتماعی افراد فعال گروه و کاریزمای رهبران، طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه، و وضعیت اجتماعی گروه. ویژگی های گروه عبارتند از: خدمات درون گروهی: منظور تسهیلات و کمک های مادی و دیگر خدمات رفاهی گروه به افراد به منظور تشویق فرد برای عضو شدن در گروه است. وجهه افراد فعال گروه و کاریزمای رهبران: منظور جاهت و شهرت اجتماعی و سیاسی افراد فعال گروه و کاریزمای رهبران منسوب به گروه در جامعه است که می تواند بر عضوگیری گروه مؤثر باشد.

طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه: منظور، تعیین طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال گروه و رهبران آن به طور کلی و تأثیر آن بر نوع عضوگیری گروه است.

وضعیت اجتماعی گروه: منظور، نوع مواجهه و رویکرد مردم به گروه (ارزیابی مثبت و منفی جامعه از گروه) مثل: مذهبی بودن و نبودن گروه و... است. **برنامه جذب:** برنامه جذب شامل محتوای جذب، مخاطب جذب، نگرش به جذب، قالب ها و مراحل جذب می باشد.

محتوای عضوگیری: مبانی فکری و اعتقادی گروه که در ابتدا به عنوان عامل جذب ارائه می شد؛ چپستی محتوای جذب به صورت کلی (مثل استفاده از آیات و روایات

و مفاهیم اسلامی و یا تئوری‌های مارکسیستی و...)، چگونگی ارائه محتوای جذب و اهداف گروه (اینکه محتوای جذب دارای مراحل مختلفی بود یا نه).
مخاطب عضوگیری: منظور، «مؤلفه‌های مناسب عضوگیری در فرد از نظر گروه» و «قشر هدف گروه» است.

نگرش به عضوگیری: مقصود، میزان تفوق جنبه‌های احساسی، عاطفی، انقلابی‌گری و در یک کلام، عملگرایی در مقابل جنبه‌های عقلانی و آگاهی‌بخشی در رویکرد عضوگیری گروه می‌باشد و همچنین رویکردی انسانی و یا ابزاری به افراد. فرد: در مدل فوق، منظور از فرد، وضعیت و پیشینه فرد، میزان و نوع ارتباط وی با گروه و میزان شناخت وی از گروه قبل از عضویت در گروه است.

وضعیت و پیشینه فرد: منظور، وضعیت اقتصادی و اجتماعی فرد و همچنین عدم سوءپیشینه فرد موردنظر برای عضوگیری می‌باشد.

زمینه‌های مشترک قبلی برای عضوگیری: در اینجا منظور، فعالیت‌های قبلی سیاسی - اجتماعی فرد است، که زمینه‌ای برای عضویت فرد در گروه فراهم آورده است؛ مثل حضور در یک انجمن که بستری برای شناسایی افراد مناسب و استفاده از این زمینه در راستای عضوگیری آنها در گروه شده است.

میزان شناخت فرد از گروه: منظور، میزان شناخت فرد از گروه و اهداف آن قبل و در حین فرایند عضوگیری است.

حال با عنایت به چارت و مفاهیم مربوط به آن، به تشریح ساختار و شیوه‌های عضوگیری نهضت آزادی می‌پردازیم.

۳. گروه: ویژگی‌های نهضت آزادی

خدمات درون‌گروهی نهضت آزادی: نهضت آزادی خدمات درون‌گروهی نداشته است، بلکه برعکس، افراد به تناسب، کمک‌هایی نیز به آن می‌کردند. (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۹۵) از آنجاکه نهضت آزادی تا حدود زیادی ساختار حزبی داشت، لذا نه تنها تسهیلات و کمک‌های مادی به اعضاء نمی‌پرداختند، بلکه از اعضاء حق عضویت هم می‌گرفتند: «بچه‌های نهضت، به سرعت، هسته‌ها و گروه‌های مختلفی تشکیل دادند و هرکس که عضو می‌شد، به فراخور حال، ماهی دو تا پنج تومان،

حق عضویت می پرداخت. من که دانشجو بودم، ماهی سه تومان می دادم» (میثمی، ۱۳۸۶: ۹۴).

مهندس توسلی نیز در توضیح بندهای اساسنامه نهضت، به حق پرداخت عضویت توسط اعضاء اشاره می کند: «اعتقاد به مرام نامه، التزام به اساسنامه و مصوبات نهضت، رعایت انضباط حزبی، تعهد به پرداخت حق عضویت، شرکت منظم در جلسات و فعالیت ها و انجام وظایف محوله حزب» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).

تأثیر وجهه افراد فعال نهضت آزادی و کاریزمای رهبران منتسب به گروه در عضوگیری: کاریزمای سران نهضت از علل عمده جذب افراد به نهضت بود. برای نمونه در خاطرات دکتر محمدمهدی جعفری در سفر مهندس بازرگان برای تأسیس نهضت آزادی، این رویکرد فعالان سیاسی مشهود است (یاحسینی، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۱) وی می گوید: «من در سال ۱۳۴۰ دانشجوی دانشگاه شیراز بودم... به محض اینکه آئین نامه و اساسنامه نهضت به شیراز رسید شاید حدود ۹۰ درصد اعضاء به خاطر همین کاریزمای رهبران بود که عضو شدند. یعنی بیشتر به خاطر این بود... لذا در عضوگیری، کاریزمای رهبران بسیار مؤثر بود» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

یکی از محققان، درباره تأثیرگذاری مهندس بازرگان بر نسل جوان می گوید: «البته نباید نادیده گرفت که علی رغم انتقادات اساسی و بسیار بر دیدگاه های ایدئولوژیک بازرگان... فعالیت های وی عامل مؤثری در گرایش جوانان و دانشجویان به اندیشه اسلامی در سال های پیش از انقلاب بود... زیرا کاملاً منطقی است که در آن دوران تاریک و جو خفقان و تبلیغات ضداسلامی مستقیم و غیرمستقیم، کوچک ترین صدایی که رگه ای از دین و مذهب در آن یافت می شد مورد حمایت و پشتیبانی اقشار مذهبی و به خصوص روحانیون قرار بگیرد» (سلطانی، ۱۳۶۷: ۸۱).

همچنین بادامچیان در مورد جایگاه سران نهضت در جامعه اذعان می کند: «طبعاً در جذب حزبی، نیاز به چهره اطمینان آور داریم. در آن زمان هم آیت ا... طالبانی و مهندس بازرگان و دکتر سحابی، هر سه، مورد توجه جامعه بودند...»

در آن روزها، مذهبی‌ها به مهندس بازرگان و مهندس سحابی اعتماد داشتند» (بادامچیان، مصاحبه نگارنده: ۱۳۸۹/۴/۲۳).

توصیفات علی دانش منفرد از سران نهضت، به‌نوعی گویای نوع نگرش مبارزین به سران نهضت است: «در رأس نهضت، روحانی مجتهدی به نام آیت ... طالقانی، مهندس تحصیل کرده اروپا با افکار اسلامی و استاد دانشگاه به‌نام مهندس بازرگان و شخصیتی تحصیل کرده چون دکتر سحابی با ویژگی‌های جذاب خودش قرار داشت» (بسطامی، ۱۳۸۴: ۲۷ و ۲۹).

عزت ... سحابی معتقد است که شاکله نهضت بیش از آنکه حزبی باشد، براساس یک تفاهم ایدئولوژیک و عشق و علاقه نهضتی‌ها به سران آن بود. (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۸۶) وی همچنین بر آن است که گروه حامدانه از کاریزمای افراد، جهت عضوگیری استفاده نمی‌کرده است: «البته ما ابدأً در جهت استفاده از کاریزمای آنها برای گروه اقدام نمی‌کردیم... مخصوصاً بازرگان و طالقانی در دوره سال ۳۲ تا ۴۰ که نهضت آزادی تشکیل شد، خیلی در فضای ملی و مذهبی درخشیده بودند. بنابراین بله، این کاریزما وجود داشت و علاقه بیشتر مردم نسبتاً مذهبی و بیشتر ملی - مصدقی به همان آقای طالقانی و بازرگان بود و به‌خاطر همین، اینها به نهضت آزادی هجوم می‌آوردند» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

حکیمی هم از کاریزمای رهبران گروه می‌گوید، اگرچه او هم معتقد است که گروه از این کاریزما برای عضوگیری استفاده نمی‌کرده است: «اینکه چی شد که در عرض یک هفته هزار نفر برای عضویت آمدند اسم نوشتند، خوب همین جاذبه مرحوم مهندس بازرگان و سحابی و آیت ... طالقانی بود... قطعاً افرادی که می‌آمدند و عضو نهضت می‌شدند، وجود این شخصیت‌ها برایشان یک عاملی بوده است» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰).

حتی اگر بپذیریم که نهضت از کاریزمای مهندس بازرگان و آیت ... طالقانی در عضوگیری استفاده نمی‌کرده، لکن به‌نظر می‌رسد از کاریزمای مصدق به‌طور مستقیم بهره‌گیری می‌کرده است: «جلسه، خودمانی تلقی می‌شد. جزوه‌ای چهارصفحه‌ای بین حاضران توزیع کردند که روی آن، عکس دکتر مصدق بود و

زیر عکس، به خط او نوشته شده بود: «تقدیم به آنهایی که در سیاست یکدنده‌اند و اهل سازش نیستند» نهضتی‌ها، بیشتر از سایر نیروها از مصدق یاد می‌کردند و به او تأسی می‌جستند» (میشمی، ۱۳۸۶: ۷۵).

ورود آیت‌آ... طالقانی و مهندس بازرگان در قالب یک حزب جدید که داعیه مذهب را هم داشت، موجی از امید برای فعالان سیاسی مذهبی ایجاد کرد و این باعث شد که با تشکیل نهضت، به واسطه این دو، به‌ویژه آیت‌آ... طالقانی، اقبال گسترده‌ای نسبت به نهضت ایجاد شود. البته به‌نظر می‌رسد که گروه از این وجهه مستقیماً برای عضوگیری استفاده نمی‌کرده است. اما ظاهراً تعمدی در استفاده از نام دکتر مصدق داشتند و بر الگوی مبارزاتی وی تعصب داشتند، کما آنکه در جلسه افتتاحیه نهضت، مهندس بازرگان هنگام برشمردن اصول نهضت آزادی، علاوه‌بر ملی و اسلامی و تابع قانون اساسی بودن، ضمن نام بردن و تجلیل از وی، اذعان می‌کند که ما مصدقی هستیم. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۱۶۱)

طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال در نهضت آزادی: پیش از پرداختن به طبقه اجتماعی اعضای گروه، به بررسی طبقه اجتماعی - اقتصادی سران گروه می‌پردازیم: «وجه غالب نهضت آزادی ایران، روشنفکری سیاسی - مذهبی بودن آن بوده و اکثر اعضای اصلی آن دارای تحصیلات جدید دانشگاهی (۸۰٪) بودند... نتیجه‌گیری که از این تحقیق می‌توان کرد این است که خاستگاه عمده اجتماعی رهبران نهضت آزادی «بازار» بوده است، زیرا اکثر رهبران درجه اول آن از خانواده‌های بازاری نسبتاً ثروتمند برخاسته بودند. پس از آن، طبقه متوسط جدید خاستگاه عمده آن بوده است... در مجموع همان‌طور که گفته شد، اکثریت رهبران و اعضای نهضت آزادی را می‌توان از طبقه متوسط جدید دانست» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۷۴-۱۷۲).

برخی از اعضای نهضت حضور پررنگ‌تر دانشگاهیان را بیش از آنکه تعمدی از سوی سران نهضت قلمداد کنند، به این دلیل می‌دانند که دانشجویان بیشتر در معرض نهضت آزادی بودند؛ لکن به‌نظر می‌رسد که عزت‌آ... سبحانی، نسبت به طیف‌بندی جذب‌شده‌ها، نگاه واقع‌بینانه‌تری داشته باشد، و آن را ناشی از رویکرد خود نهضت می‌داند: «البته بیشتر توجه روی طبقه تحصیلکرده و روشنفکران بود... مثلاً یکی از انجمن‌هایی که

تشکیل شد، انجمن معلمین بود که مرحوم شهید رجایی جزء آن بود. ما تا سطح معلمین می‌رفتیم ولی در ادارات نفوذ نداشتیم یا مثلاً در بازار هیچ نفوذی نداشتیم. البته طرفدار و علاقه‌مند داشتیم ولی فعالیت و عضوگیری نمی‌کردیم» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

البته دانشگاهی بودن سران نهضت، قاعدتاً بدنه همان قشر، یعنی دانشجویان را به دنبال خود می‌کشید: «طبقه اجتماعی و اقتصادی سران نهضت، آگاهانه یا ناآگاهانه، اصلاً هیچ تأثیری در عضوگیری نداشت؛ چنان‌که در همان شورای مرکزی نماینده کارگران و دانشجویان و... بودند، علاقه داشتند که همه اقشار حضور داشته باشند و حالا شاید دانشجویان بیشتر جذب شده بودند؛ چراکه سران، غالباً دانشگاهی بودند» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

طبق شواهد متنوع، سران نهضت آزادی علی‌رغم خاستگاه اولیه‌شان، به‌خاطر تحصیلات عالی، و علایق و تألیفات مذهبی در زمره طبقه متوسط جدید و روشنفکران دینی قرار می‌گرفتند. مشکل همیشگی جریان روشنفکری در ایران، ارتباط‌گیری با توده مردم بوده است. خود سران نهضت هم پایگاه اصلی‌شان در دانشگاه بود. لذا می‌بینیم که به‌رغم تمهید شاخه‌های کارمندی و کارگری و... باز هم نهضت در جذب اقشار بازاری و کارگری و کارمندی و... چندان موفق نبوده و سیطره نفوذش غالباً از دامنه دانشگاهیان و روشنفکران و تکنوکرات‌ها فراتر نرفت؛ سواى آنکه برخی از همان دانشگاهیان هم، به‌واسطه شناخت آیت... طالقانی جذب نهضت شدند، غالب بازاریانی که با نهضت همراهی می‌کردند، از شیفتگان آیت... طالقانی بودند؛ لکن حتی همان بازاری‌ها، غالباً گرایش‌های روشنفکرانه داشتند تا سستی: «واقعاً یک پایگاه نهضت آزادی در بازار بودند، بازاری‌های روشنفکری بودند که کمک می‌دادند» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

به‌طورکلی از آنجاکه غالب عضوگیری نهضت، از انجمن‌های اسلامی بود و با عنایت به پایگاه طبقاتی دانشجویان فعال در این انجمن‌ها، می‌توان گفت که اعضای نهضت بیشتر دانشجویان طبقات متوسط و متوسط به پایین بوده‌اند.

وضعیت اجتماعی نهضت آزادی: به اذعان اعضای اصلی نهضت، آنچه در اوایل، ساواک در مورد کمیّت و گستره نهضت آزادی حدس می‌زد، خیلی بیشتر از واقعیت

بود: «شنیدیم که ساواک گفته بود که حدود ۳۵ هزار نفر عضو نهضت آزادی هستند... نه تنها از نظر ساواک، بلکه از نظر اجتماعی هم نهضت، شهرت خاصی داشت. چون در شرایطی نهضت آزادی تأسیس شد که مردم خیلی علاقه به مسائل مذهبی داشتند؛ مثلاً آیتا... میلانی به محض تأسیس، آن را تأیید می‌کنند؛ و همچنین دکتر شریعتی... وقتی خبردار شد که نهضت تأسیس شده به اروپا که برگشت، در فرانسه، شعبه نهضت آزادی در فرانسه را تأسیس می‌کند... البته منظورم از مردم، فعالان سیاسی است. عامه مردم در کار سیاسی دخالت نمی‌کردند. عامه مردم که عرق مذهبی داشتند، وقتی امام خمینی قیام کرد همه دنبال ایشان بودند» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

یک علت این استقبال، تفاوت‌هایی بود که نهضت در برخی خط‌مشی‌هایش با جبهه ملی داشت: «رفتار جبهه ملی به‌هیچ‌وجه جلب علائق مردم را نمی‌کرد. با اینکه خط‌مشی آن اعلام شده بود. جبهه ملی و نهضت آزادی قانونی بودند، لکن نهضت آزادی از یک نوع صراحت بیشتری برخوردار بود... یکی... تعریف می‌کرد که ساواک و دولت نسبت به نهضت آزادی‌ها نگران است و با برآوردهایی که کرده است، نهضت آزادی‌ها را ۳۵ هزار نفر می‌داند در حالی که ما واقعاً در آن زمان ۳۵۰ نفر عضو هم نداشتیم و این بیشتر پایگاه اجتماعی بود که بروز می‌داد که اعضای نهضت زیادند. منظورم اینست که نهضت آزادی در آن زمان بیشتر از آنکه بود، برای رژیم و ساواک خطرناک وانمود می‌شد» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

تبریزی با اتخاذ رویکرد مشابهی، معتقد است وجهه گروه را نمی‌توان از شخصیت‌های گروه جدا کرد: «آقای بازرگان و آقای طالقانی و اینها یک وجهه موّجه مذهبی داشتند. حالا کسی مثل آقای طالقانی یک عالم و مبارز بود که از زمان رضاخان مبارزه می‌کرد و جایگاه خاصی داشت و آقای بازرگان هم به‌عنوان یک تحصیل‌کرده اروپادیده‌ای بود که در دانشگاه مدافع دین بود. لذا افراد مذهبی افتخار می‌کردند که مهندس بازرگان یا دکتر سحابی را دارند و این واقعاً جزء افتخارات افراد بود... اما در مورد وجهه اجتماعی خود گروه باید گفت که تقریباً گروه مشروعیتش را از این شخصیت‌ها می‌گرفت» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

نکته‌ای که باید در مورد نهضت در نظر گرفت این است که چون عمده اقبال به نهضت، به‌خاطر کاریزمای سران گروه بوده است، لذا در اینجا حساب گروه را نباید از حساب سران اصلی آن سوا کرد؛ لذا همان نتیجه‌گیری‌ای که در مورد «تأثیر وجهه افراد فعال نهضت آزادی و کاریزمای رهبران منتسب به گروه در عضوگیری» بیان کردیم، در اینجا نیز صادق است. ضمن اینکه منظور از وجهه اجتماعی، عامه مردم نیست، چراکه نه نهضت و نه سازمان مجاهدین خلق، نه چریک‌های فدایی خلق و... هیچ‌کدام به یک جنبش فراگیر مردمی، مبدل نشدند. در آن برهه زمانی می‌توان به قیام ۱۵ خرداد به‌عنوان نمونه‌ای اشاره کرد که تبدیل به یک جنبش مردمی شد.

۴. برنامه عضوگیری نهضت آزادی

محتوا و مبانی جذب نهضت آزادی: به‌ظاهر آنچه می‌توان به‌عنوان عاملی برای جذب و گرایش به نهضت به‌حساب آورد، نتیجه آموزش‌های خاصی نبود، بلکه کاریزمای رهبران نهضت، عامل کشش افراد به‌سوی نهضت بود، و بعد از آن یک سری آموزش‌های تشکیلاتی وجود داشت: «یک مقداری آثار مهندس بازرگان مثل راه طی شده، مسئله وحی و... آثار آیت‌ا... طالقانی مثل مالکیت در اسلام، آن زمان منتشر شده بود که خیلی‌ها را جذب می‌کرد. ولی باز هم این را باید بگویم که اینها بعد از عضویت بود و قبل از عضویت آنچه افراد را جذب می‌کرد عمل و شهرت و کاریزمای رهبران نهضت آزادی بود که جذب می‌کرد. و بعد از عضویت این کتاب‌ها را در حوزه‌ها مطرح می‌کردیم...» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

این مطلب منافی این موضوع نیست که بخش مهمی از کاریزمای این افراد، علاوه بر عملکردها و سابقه مبارزاتی رهبران گروه، حاصل کتاب‌ها و سخنرانی‌های ایشان و در یک کلام افکار و عقاید این افراد بوده است؛ منطقاً اگر فردی به‌واسطه کاریزمای سران نهضت، به عضویت نهضت درمی‌آمده، مستلزم این بوده که تا حدودی در معرض اندیشه‌های رهبران گروه بوده باشد و لذا نمی‌توان خط‌کشی دقیقی بین کاریزمای رهبران گروه و آگاهی یافتن از افکار و عقایدشان قائل شد. اما اینکه فرد به‌صورت سازماندهی شده از سوی گروه در معرض افکار و اندیشه‌های رهبران نهضت قرار می‌گرفته و یا از سر اتفاق، بحث دیگری است! از آنجاکه

ورودی اصلی اعضای نهضت، از کانال انجمن‌های اسلامی تأمین می‌شده است، بنابراین ابتدائاً به بررسی محتوای انجمن‌های اسلامی بپردازیم، تا ببینیم چه مطالبی در آن ارائه می‌شده است: «در همان سال چهل در انجمن‌های اسلامی ما در تهران چندین کلاس درس در سطح بسیار عالی داشتیم که متفکرین و نویسندگان برجسته، آن کلاس‌ها را اداره می‌کردند... بزرگانی مثل شهید مرتضی مطهری، علامه محمدتقی جعفری تبریزی، دکتر گلزاده غفوری و... اقتصاد اسلامی درس می‌دادند، البته گاهی هم مسائل ساده فلسفی را مطرح می‌کردند. ایشان از سال ۴۰ تا ۴۲ بیشتر مسائل اقتصادی را برایمان درس می‌دادند... شهید مطهری... چون می‌دیدند جوان‌ها ممکن است تندروی‌هایی داشته باشند و یا احیاناً برخی مسائل اخلاقی و عملی را رعایت نکنند... اخلاق درس می‌دادند» (یاحسینی، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۲).

میثمی به برخی از محتواهایی که برای انجمن‌های اسلامی ارائه می‌شد اشاره می‌کند: «در کنار این حرکات می‌شود به مطالبی که آقای طالقانی در مسجد هدایت می‌گفت و برای ما مبدل به نقطه عطفی شد، مکتب توحید که به همت آقای مطهری، آقای شانه‌چی، دکتر پیمان و... تأسیس شده بود، [نشریه] دین و دانش که انجمن اسلامی مهندسين و انجمن اسلامی پزشکان دست‌اندرکار آن بودند، و مجموع سخنرانی‌های مهندس بازرگان مثل خودجوشی و مرز میان دین و سیاست و مذهب در اروپا، - محورهایی که موجب تحول شد - اشاره کرد» (میثمی، ۱۳۸۷: جلسه هشتم).

وی در کتاب خاطراتش نیز می‌گوید: «از طرفی مرحوم آیت ا... طالقانی، در مسجد «هدایت» خیابان استانبول، شب‌های جمعه تفسیر قرآن می‌گفتند و بچه‌های مذهبی از دانشکده‌های مختلف، به تدریج به آنجا راه پیدا می‌کردند و با هم آشنا می‌شدند و فرهنگ جدیدی پیدا می‌کردند. رفته‌رفته نسل جدیدی در بین دانشجویان و اعضای انجمن اسلامی به وجود می‌آمد... این جلسه‌ها سازماندهی شده بود و هر کلاس، موضوع خاصی را دنبال می‌کرد. این اولین باری بود که روحانیون، به شکل سازماندهی شده در محافل دانشجویان پیوند می‌خورند» (میثمی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰ و ۴۱-۴۰).

آنچه گذشت نشان می‌دهد که قبل از تشکیل نهضت و پیوستن بخش زیادی از اعضای انجمن‌های اسلامی به آن، تا حد زیادی و نه همیشه، افکار و اندیشه‌های سران

نهضت، در بین آنها، منعکس می‌شده است. لذا حتی اگر قائل به این باشیم که کارزمای رهبران گروه، موجب جذب افراد به نهضت شده، بخش مهمی از این کارزما، در انجمن‌های اسلامی فراهم می‌شده است و آبشخور فکری جذب‌شده‌های خارج از انجمن‌ها، علاوه بر سابقه مبارزاتی سران، جلسات سخنرانی عمومی سران نهضت بود: «درواقع نهضت یک بستر طبیعی بود برای جذب بسیاری از فعالان سیاسی مسلمان از جمله در بازار، کارکنان دولت و اصناف... درواقع به‌طور طبیعی فعالان مسلمان جذب نهضت می‌شدند چون که یک حضور تشکیلاتی سیاسی به آنها می‌داد و جلسات عمومی و مذهبی که برگزار می‌کرد بستری بود برای اینکه افراد مسلمان علاقه‌مند به فعالیت سیاسی - اجتماعی شوند و با این اندیشه آشنا و جذب شوند» (میثمی، ۱۳۸۶: ۳۱-۳۰ و ۴۱-۴۰).

حال اگر دوره بعد از ورود به کلاس‌های آموزشی را اعم از محتوای جذب به حساب بیاوریم، می‌توانیم به محتوای جذب خود نهضت پردازیم. میثمی در خاطراتش تصویری از خلاء ایدئولوژیکی نهضت و به بن‌بست رسیدنشان (میثمی، ۱۳۸۶: ۱۰۰-۹۴ و ۱۵۹-۱۵۸) ارائه می‌دهد.

عزت... سحابی به‌عنوان یکی از مسئولان اصلی آموزشی نهضت، محتوای جذب را واضح‌تر تشریح می‌کند: «مبانی فکری که رویش بیشتر تبلیغ می‌شد، یکی مقایسه سیاست‌های مصدقی بود با سیاست‌هایی که بعد از ۲۸ مرداد اجرا شد. یکی دیگر از بحث‌هایمان، الگوی توسعه زمان شاه بود که ما می‌گفتیم که این یک الگوی توسعه‌ای هست اما یک الگوی وابسته است... نهضت آزادی، مبلغ مذهبی در جامعه نبود ولی سرانش اولاً مذهبی بودند و در همه مراسم مذهبی حضور داشتند» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

بخشی از محتوای جذب هم از مساجدی چون مسجد هدایت تأمین می‌شده است؛ نقل قول زیر نشان می‌دهد، مسجد هدایت پاتوق اصلی نهضت آزادی بوده است: «همچنان‌که تعدادی از اعضای مؤتلفه در جلسات مسجد هدایت که عمدتاً اعضای نهضت آزادی در آن شرکت داشتند، به سخنرانی آیت‌ا... طالقانی، حاضر می‌شدند» (پورقنبر، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۳).

همچنین مهندس توسلی می‌افزاید: «مسجد هدایت نقش مؤثری در تربیت این

افراد داشته است. ما مبانی اعتقادی خودمان را در کلاس‌های قرآن مرحوم طالقانی و سخنرانی‌های مهندس بازرگان گرفتیم.» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).
میثمی منابعی که نهضتی‌ها از آن تغذیه محتوایی می‌شدند را نام می‌برد: «بچه‌های نهضت، از نظر ایدئولوژیک، از چندجا تغذیه می‌شدند: ۱. مسجد هدایت و تفسیر قرآن آیت‌ا... طالقانی؛ ۲. سخنرانی‌هایی که به مناسبت عیدها و عزاداری‌ها انجام می‌شد...؛ ۳. جلسه‌های ماهانه‌ای که شخصیت‌های ایدئولوژیک جامعه مانند آیت‌ا... طالقانی، آیت‌ا... مطهری، آیت‌ا... بهشتی، آیت‌ا... حاج میرزا خلیل کمره‌ای، سید مرتضی جزائری، حجت‌الاسلام غفوری، حجت‌الاسلام شبستری و سید موسی صدر در آن سخنرانی می‌کردند. بچه‌های انجمن اسلامی و نهضت آزادی موظف بودند که در این جلسه‌ها شرکت کنند» (میثمی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۱۰۰).

شواهد نشان می‌دهد که آنچه در کلاس‌های آموزشی نهضت مطرح می‌شد، بیشتر حول‌وحوش تحلیل مسائل سیاسی روز بوده است؛ که همین امر - عدم نگاه ایدئولوژیک نهضت - موجب اعتراض برخی می‌شود. اگرچه افراد مختلفی مدعو انجمن‌های اسلامی و نهضت بودند؛ لکن افراد مدعو لزوماً نظرات نهضت را بیان نمی‌کردند: «اما به این معنا که هر چه در انجمن گفته می‌شد، حرف نهضت بود، این گونه نبود. مثلاً آقای مطهری و آقای اردبیلی و اینها حرف خودشان را می‌زدند و حرف‌های نهضت را نمی‌زدند ولی بخش قابل توجهی از مخاطبان‌شان از نهضت آزادی بودند» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

رسول جعفریان هم در این رابطه می‌گوید: «با این حال سران این گروه به لحاظ مذهبی، در عین تأثیرپذیری از روحانیت و ارتباط با آن، اندیشه دینی خود را نه از مرجعیت، بلکه از دانش دینی خود برمی‌گرفتند. آنان دین‌شناسی روحانیت را نپذیرفته و نظرشان این بود که خود به منابع اجتهاد دینی مراجعه نمایند» (جعفریان، ۱۳۸۶: ۳۹۸).

۵. مؤلفه‌های عضوگیری نهضت آزادی

جنسیت: درباره حضور زن‌ها در نهضت آزادی مطالبی نقل شده است (یا حسین، ج دوم، ۱۳۸۹: ۹۳). علی‌رغم حضور زنان در نهضت، به تعداد کم آنان اشاره شده

است: «کمیته بانوان از آغاز بودند و غالباً دانشجویان بودند که جمعیت زیادی نبودند. ما خانم‌های دانشجو را هم عضو کمیته دانشجویان و هم عضو کمیته بانوان می‌دانستیم که بعضی‌هایشان در هر دو جا فعالیت می‌کردند. البته شنیده بودم که بانوانی هم غیردانشجو داشتیم» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

اعتقادات مذهبی: حساسیت نهضت نسبت به اعتقادات مذهبی در حد کلیات بود و لذا همین رویکرد، به تساهل و تسامح گروه نسبت به طیف‌های مختلف منجر می‌شد: «اینکه طرف واقعاً به مبانی اسلام اعتقاد داشته باشد، یعنی ضدین را اجازه نمی‌دادیم که بیاید. البته ما دستوری برای عمل دینی برای کسی صادر نمی‌کردیم، ولی حتماً باید اصولی را می‌داشت مثلاً از لحاظ اخلاقی منزه باشد، اعتقادات و مبانی‌اش روشن باشد ولی تفتیش نمی‌کردیم که آقا تو نماز می‌خوانی یا نه؟ وقتی می‌دیدیم که طرف نمازخوان هست برای ما کافی بود» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰).

وجود طیف‌های مختلف افراد، به‌ویژه از نظر اعتقادات مذهبی، حساسیت اعضای مذهبی را برانگیخته بود (بسطامی، ۱۳۸۴: ۲۹-۲۸). نقل قولی از مهندس بازرگان (یا حسینی، ۱۳۸۹: ۷۴-۷۳) نشان می‌دهد که اعتقادات مذهبی، چندان اولویت نهضت نبوده است. حال‌وهوای سیاسی آن برهه و رویکردهای نهضت، انگیزه‌های سیاسی ورود به نهضت را پررنگ‌تر کرده بود: «در عین وجود کمیته‌های مختلف... بعدها در همان کمیته افرادی را شناختیم که هیچ انگیزه مذهبی ندارند و بیشتر روی انگیزه سیاسی آمدند و یا شنیدیم حتی در سطح بالاتر که آقای مهندس سحابی گفت ما عضو نهضت نبودیم و آقای مهندس بازرگان روزی از ما گله کرد: وقتی شما نمی‌آید عضو بشوید، یک عده افرادی که خیلی مذهبی نیستند عضو می‌شوند. لذا ما رفتیم و اکثریت اعضاء، مذهبی شدند» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

میثمی هم طیف جذب‌شدگان به نهضت را تا حدودی نشان می‌دهد: «نهضت آزادی، شروع به فعالیت و عضوگیری کرد... اکثر بچه‌های رادیکال، ضدسلطنت و اصیل جبهه ملی، عضو نهضت آزادی شدند» (میثمی، ۱۳۸۶: ۹۴). اگرچه شمار مذهبی‌ها رفته‌رفته غالب شد؛ به‌طوری‌که جلال‌الدین فارسی در بحث جهات مثبت نهضت، کیفیت نیروهای نهضت را این‌گونه بیان می‌کند (فارسی، ۱۳۷۳: ۶۶-۶۵).

لکن باید این نکته را مدنظر قرار دهیم که نهضت به‌طورکلی، نماینده قرائت خاصی از مذهب بود: «اصل بر مذهبی بودن بود. البته همدیگر را تحمل می‌کردند... همین که طرف، فردی مذهبی بود کافی بود... البته یک مقدار گرایش نوی مذهبی مدنظر بود. یعنی مذهبی‌های سیاسی و علمی... بعضی مذهبی‌هایی بودند که با نهضت کار نمی‌کردند و بعضی از افراد بودند که نهضتی‌ها احساس می‌کردند که نمی‌توانند با آنها کار کنند» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

مسائل امنیتی: طبعاً نهضت، به‌دلیل علنی بودن، محدودیت‌های امنیتی دیگر گروه‌های مبارز را در عضوگیری نداشت، ولی حتی‌الامکان، مسائل امنیتی را در عضوگیری‌ها لحاظ می‌کرده است، تا حاشیه کمتری داشته باشند: «مسئول تشکیلات و عضوگیری نهضت آزادی که آقای حسام‌الدین انتظاری بودند... آقای انتظاری خیلی سخت‌گیری می‌کرد» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

سلامت اخلاقی: سلامت اخلاقی افراد، یکی دیگر از فاکتورهای عضوگیری نهضت نقل شده است: «صلاحیت اخلاقی و اجتماعی و نداشتن سوء شهرت از فاکتورهای عمده ما بودند...» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲). «شرایط عضوگیری این بود که در سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی تشکیل شد، چند ویژگی داشت: ۱- مذهبی نواندیش بودن ۲- مصدق بودن ۳- ضد فساد بودن، یعنی مبارز باشد، یعنی چنین نباشد که خودش دزدی بکند... اینها خصوصیات نهضت بود...» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

تأییدیه از اعضای رسمی: در مورد عضوگیری‌های نهضت، غالباً دو نفر باید فرد موردنظر را تأیید می‌کردند: «معرفی و تأیید صلاحیت از طرف دو نفر از اعضای رسمی نهضت... لازم بوده است» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲). «مثلاً به دوستان اطمینان می‌دادند که یک سازمان خوب و مذهبی است و باید عضو شد، اما اگر به این طریق کسی پیشنهاد می‌شد باز هم دو نفر مورد اطمینان باید تأیید می‌کردند و یا تحقیق می‌کردند» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

وضعیت تحصیلی و شغلی: به دلایلی که در قسمت تأثیر طبقه اجتماعی و اقتصادی سران نهضت در عضوگیری‌ها آوردیم، نهضت آزادی در میان قشر تحصیلکرده بیشتر از قشرهای دیگر موفق به عضوگیری شد: «وضعیت تحصیلی

زیاد مهم نبود چون اینها بازاری هم داشتند... عموماً مهندس، استاد دانشگاه و معلم... جذب طوری بود که اینها به نهضت می‌آمدند... چون جو آن زمان تحصیلکرده و استدلالی و این حرف‌ها بوده عمدتاً این طیف بیشتر راغب به آمدن در نهضت بودند» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

البته این طبیعی بود؛ چراکه گرایش‌های نوین مذهبی که در قسمت فاکتورهای عضوگیری برای نهضتی‌ها برشمردیم، طبیعتاً بیشتر در میان تحصیلکرده‌ها یافت می‌شود: «شرایط عضوگیری این بود که در سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی تشکیل شد، چند ویژگی داشت: ۱- مذهبی نواندیش بودن...» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

آمارهای به‌دست آمده، مؤید همین مطلب می‌باشد: «جدای از این خاستگاه‌های اجتماعی بنیان‌گذاران، وجه غالب نهضت آزادی ایران، روشنفکری سیاسی - مذهبی بودن آن بوده و اکثر اعضای اصلی آن دارای تحصیلات جدید دانشگاهی (۸۰ درصد) بودند. بر این اساس می‌توان آن را یک حزب سیاسی نماینده مطالبات طبقه متوسط جدید در ایران دانست» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۷۳).

مخلص کلام آنکه از مهم‌ترین مؤلفه‌های عضوگیری نهضت، پاک بودن به لحاظ امنیتی و سلامت اخلاقی فرد بوده است. اعتقادات دینی فرد هم مورد توجه بوده لکن در این مورد خیلی سخت‌گیری نمی‌کردند؛ کما اینکه افراد غیرمذهبی یا افرادی که تقید آنچنانی نداشتند هم عضو نهضت می‌شده‌اند، و این موجب اعتراض طیف مذهبی نهضت شده بود. البته نوع مذهبی که مدنظر نهضت بود، از نوع سستی نبود و دارای گرایش‌های تجددخواهانه و نوگرایانه بود، لذا با مذهبی‌های سستی زیاد سروکار نداشتند. در نهضت، وضعیت تحصیلی و شغلی فرد اهمیت چندانی نداشته است، اگرچه به‌خاطر رویکرد روشنفکرانه‌شان، غالباً مخاطب آنان دانشجویان و مهندسين و معلمین و... بودند. نهضت از زنان هم، به‌ویژه در شاخه دانشجویی عضو می‌گرفته است؛ اگرچه تعداد آنها زیاد نبوده است. استفاده از روابط خویشاوندی در عضوگیری‌ها، غالب نبود و معمولاً افراد پیشنهادشده برای جذب، می‌بایست از سوی دو نفر تأیید می‌شدند.

قشر هدف عضوگیری نهضت آزادی: عضو فعلی شورای مرکزی نهضت که از همان ابتدا در آن حضور داشته در مورد قشر هدف عضوگیری، خاطرنشان می‌سازد: «درواقع به‌طور طبیعی فعالان مسلمان جذب نهضت می‌شدند که یک حضور

تشکیلاتی سیاسی به آنها می‌داد و جلسات عمومی و مذهبی که برگزار می‌کرد بستری بود برای اینکه افراد مسلمان، علاقه‌مند به فعالیت سیاسی - اجتماعی شوند و با این اندیشه آشنا و جذب شوند. در واقع نهضت یک بستر طبیعی بود برای جذب بسیاری از فعالان سیاسی مسلمان از جمله در بازار، کارکنان دولت و اصناف...» (توسّلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).

به‌رغم تمهید کمیته‌های مختلف، بیشترین توفیق نهضت در میان دانشگاهیان بود (بسطامی، ۱۳۸۴: ۲۹). نهضت آزادی به تبع جریان ملی‌گرایی و مانند خیلی از احزاب دیگر، سودای جنبشی فراگیر را در سر داشت، لکن در رسیدن به این هدف ناکام ماند (بادامچیان، ۱۳۸۴: ۱۶). دو پایگاه اولی که می‌توان برای نهضت برشمرد، یکی دانشگاه بوده و یکی بازار، که عمده نیروها از دانشگاه بودند تا بازار (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۷۳؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۶: ۶۲). «جوانان و تحصیلکرده‌ها و قشر دانشگاهی بودند... بازاری هم بودند اما اغلب همان مهندس و دانشگاهی» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

لذا نهضت عمدتاً، همان قشر متوسط جدید را دربر می‌گرفت: «پایگاه اجتماعی‌شان بیشتر در میان طبقه متوسط جدید شامل دانشجویان و تحصیل‌کردگان علوم جدید بوده و به میزان کمتر در میان بازاریان و روحانیان نیز اعضا و طرفدارانی داشته‌اند» (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۵).

تزام اسلام رادیکالی و چپ‌های مارکسیستی در دهه پنجاه با گرایش‌های اسلامی - غربگرایانه نهضت، در گرایش جوانان به این گروه تأثیر گذاشته بود (احمدی، ۱۳۸۰: ۲۹۵-۲۹۴). همین موضوع، در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۵ عضوگیری نهضت را تحت تأثیر قرار داده بود: «در سال ۵۵ آقای مهندس حکیمی به من گفت که دوستان می‌خواهیم دوباره جمع شویم... در این مدت، نهضت عضوگیری داشت اما کمتر از دانشگاه عضوگیری داشتند؛ چون که در دانشگاه‌ها، مسلمان‌ها بیشتر جذب روحانیت شده بودند و غیرمسلمان‌ها هم جذب مارکسیست‌ها می‌شدند. لذا در نهضت افراد سابق خود نهضت، فعال می‌شدند و یک تعداد کمی هم از تیپ‌های غیردانشجو عضو می‌شدند؛ و فضا به سمت روحانیون بود» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

مهندس سحابی نوع افرادی که به نهضت جذب شدند را دسته‌بندی می‌کند: «نهضت آزادی در آغاز تشکیلش یک سازمانی بود که سه پایه داشت. یک پایه آن انجمن‌های اسلامی بود. یک پایه دیگر، نهضت مقاومت ملی بود که از سال ۱۳۳۲ تشکیل شده بود و پایه سوم نیز یک عده از علاقمندان و به‌اصطلاح مصدقی‌هایی بودند که بیشتر در راه‌آهن بودند... در راه‌آهن جنبه اسلامی نداشتند، یعنی مذهبی بودند ولی فعالیتشان مذهبی نبود... مثلاً بیشتر افراد انجمن اسلامی، دانشجویان مذهبی بودند... اما در جهت اسلامی بودنشان، خیلی سنتی نبودند» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، تمهید شاخه‌های کارگری و دانشجویی و بانوان و بازار در نهضت، به‌منزله آن بوده که نهضت سودای آن را درس داشت که حزبی فراگیر شود، اما نهایتاً بدنه اصلی نهضت آزادی را دانشجویان و فارغ‌التحصیلان عضو انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان و بانوان تشکیل می‌دادند و در میان بخشی از طبقه متوسط جدید، شامل بخشی از دانشجویان، روشنفکران سیاسی علاقه‌مند به مذهب، تکنوکرات‌ها، کارمندان، آن هم در تهران و شهرهای بزرگی چون تبریز، زنجان، قزوین، اصفهان و مشهد پایگاه داشته است و لذا توفیق عضوگیری فراگیر در بین بازاریان و کارگران و بانوان و در یک کلام عامه مردم را نداشت. شاید مهم‌ترین علتش ماهیت روشنفکری نهضت آزادی بوده است. البته برخی از بازاریان با نهضت ارتباط داشتند و کمک مالی هم به نهضت می‌کردند.

تزامم اسلام رادیکالی و چپ‌های مارکسیستی در دهه پنجاه با گرایش‌های اسلامی - غربگرایی نهضت، در گرایش جوانان به این گروه مؤثر بود و همان‌طور که آمد، در سال ۱۳۵۶ و بیشتر ۱۳۵۷ که نهضت فعال‌تر شده بود، عضوگیری کمتری از دانشگاه داشت؛ چراکه در دانشگاه‌ها، مسلمان‌ها بیشتر جذب روحانیت شده بودند و غیرمسلمان‌ها هم جذب مارکسیست‌ها می‌شدند. لذا در نهضت، اعضای سابق آن فعال می‌شدند و تعداد کمی هم از تیپ‌های غیردانشجو به نهضت تمایل داشتند.

نگرش نهضت آزادی به عضوگیری: به‌جز طیفی که به آیت‌... طالقانی گرایش داشت، نهضت آزادی و به‌ویژه مهندس بازرگان حتی تا سال ۱۳۵۷ معتقد به مبارزه پارلمانی بودند. این رویکرد در نوع نگرش و انتظاری که از اعضا داشتند، مؤثر بود:

«جنبه آگاهی دادن و عمق دادن اندیشه‌ای مهم بود و قرار نبود کار انقلابی بکنیم که بخواهیم شعار انقلابی بدهیم. از همان ابتدا فعالیت‌های ما مشخص بود...» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰).

به‌طور کلی رویکرد مهندس بازرگان و آیت‌... طالقانی به مبارزه متفاوت بود: «اساساً بحث‌ها عقلانی و در چهارچوب قانون‌گرایی بود. چون ایده‌آل آقای بازرگان ترسیمی از تجربیات اروپا بود، منهای مفاسدی که در اروپا وجود داشت و به همین جهت تکیه او بر علوم تجربی بود... در سال‌های ۵۵ و ۵۶ هم آقای بازرگان این‌گونه بودند ولی آقای طالقانی نه. ایشان (آقای طالقانی) از ابتدا خواهان یک حکومت دینی بود... مثلاً برای آقای بازرگان انقلاب الجزایری و انقلاب مصر هم مهم نبود. نهضت‌های ضداستکباری اندونزی مطرح نبود ولی برای آقای طالقانی مطرح بود. مثلاً برای آقای بازرگان مبارزات گاندی مهم بود. اگر شما کتاب آزادی هند او را نگاه کنید، عمدتاً روش گاندی را می‌پسندد. و در حرکت مذهبی هم، سید احمدخان هندی را می‌پسندد. که ما او را عامل استعمار می‌دانیم» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

شواهد حاکی از آن هستند که رویکرد قانونی نهضت آزادی و سران آن، به‌ویژه مهندس بازرگان، مستلزم این بود که از فضاهاى رادیکال و تند و انقلابی، رویگردان باشند و حتی می‌بینیم که بعد از انقلاب هم وی، همین روحیه را داشت و اذعان می‌کرد که ما از همان ابتدا به فکر انقلاب کردن نبودیم و می‌گفتیم شاه باید سلطنت کند، نه حکومت. قاعدتاً یک چنین رویکردی، چه در قالب سیاست و چه در قالب فعالیت مذهبی و اجتماعی، نمی‌توانست صورت رادیکال و انقلابی به خود بگیرد. لذا در نهضت به‌استثنای طیف مذهبی جوانش، حتی تا ۱۷ شهریور ۵۷ نیز، چنین فضایی نبود؛ و اتفاقاً این رویکرد مهندس بازرگان مورد انتقاد همان طیف جوان مذهبی نهضت آزادی بود و هم در داخل و هم در خارج گاهی، فعالیت اعضا از چارچوب نهضت فراتر می‌رفت: «به هر صورت اینها مقدماتی شد برای اینکه افرادی مثل مهندس سبحانی و دکتر جعفری به‌دنبال یک انشعاب و یا تصحیح نهضت باشند... یک بیانیه تقریباً ۷۲ صفحه‌ای نوشتند که آن بیانیه در سطوح عموم پخش شد که در آن، حرکت ۱۶-۱۷ ساله نهضت آزادی و نگرش آقای بازرگان را نفی کردند» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

۶. ویژگی‌های فرد مورد نظر برای عضوگیری از نظر نهضت آزادی

وضعیت و پیشینه فرد: نهضت آزادی، در عضوگیری‌ها درباره پیشینه افراد سخت‌گیری چندانی نداشته است. معیارهای نهضت مشخص بود و لذا هر قشر و گروه و فردی هم سراغ آنها نمی‌رفت: «در دو جریان اولیه نهضت، اصل بر مذهبی بودن طرف بود؛ و اگر پایگاه و جایگاه اجتماعی‌اش هم خوب بود، مثلاً مهندس و دکتر و این چیزها بود، یک مزیت محسوب می‌شد برای تشکیلات. وضعیت اقتصادی را اصل قرار نمی‌دادند... یک مقدار گرایش نومذهبی مدنظر بود... همچنین به تعبیر امروزی‌ها طرف می‌بایست خوشنام باشد یا حداقل بدنام نباشد» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

مهندس حکیمی هم قائل است، پیشینه اجتماعی - اقتصادی افراد چندان در عضوگیری‌ها مدنظر قرار نمی‌گرفت: «پیشینه اجتماعی - اقتصادی فرد را برای عضوگیری در نظر نداشتیم» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰).

حتی در مواردی، مسائل مذهبی هم چندان مدنظر قرار نمی‌گرفته است (میثمی، ۱۳۸۶: ۹۴) اگرچه نهضت در مورد پیشینه اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی افراد سخت‌گیری‌ای نداشته است، لکن رویکرد روشنفکری دینی آنها، خودبه‌خود عاملی می‌شد که مثلاً با مذهبی‌های سستی یا افراد کم‌سواد و بی‌سواد... نتوانند ارتباط برقرار کنند؛ و به همین دلیل است که غالب افراد جذب‌شده، دکتر و مهندس و معلم و تکنوکرات و... بودند. از پیشینه فرد همان سلامت اخلاقی فرد و تا حدودی مسائل مذهبی در مراتب بعدی، مهم بوده است. البته در بحث «مؤلفه‌های عضوگیری» ذکر کردیم که کم‌وبیش، مسائل امنیتی را هم در نظر می‌گرفتند.

زمینه‌های مشترک قبلی برای عضوگیری: با عنایت به اینکه غیر از انجمن‌های اسلامی، زمینه‌های قبلی مشترک (کانالی) برای جذب افراد به نهضت وجود نداشته است، لذا اطمینان از افرادی که از کانالی غیر از انجمن‌ها می‌آمدند، به دو نحو حاصل می‌شد؛ یا از طریق افراد مورد وثوق و یا از طریق شناختی که از فرد در جلسات و سخنرانی‌ها به دست می‌آوردند: «در قبل از جذب، طرف معمولاً مدتی در جلسات عمومی و سخنرانی‌ها و مناسبت‌های مختلف به‌طور فعال شرکت می‌کرد. و افراد ناشناس هم باید از طریق کسی معرفی می‌شدند. افراد مورد وثوق را جذب

می‌کردیم» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰)

جعفری که در میان دانشجویان عضوگیری می‌کرده می‌گوید: «بیشتر در انجمن اسلامی دانشجویان و مسجد هدایت می‌دیدیم که افرادی هستند. از طرز صحبت و علاقه و سابقه‌شان و... تشخیص می‌دادیم؛ بعد با آنها صحبت می‌کردیم و اگر آنها را علاقه‌مند می‌دیدیم، بقیه مسائل اعمال می‌شد» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

سه انجمن اسلامی در آن برهه داشتیم، که همگی کانال ورودی نهضت بودند: «قبل از تشکیل نهضت، برخی افرادی که بعداً عضو نهضت شدند، ۳ تشکیلات مذهبی داشتند، ۱- انجمن اسلامی معلمان ۲- انجمن اسلامی پزشکان ۳- انجمن اسلامی مهندسان» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

همچنان که مهندس حکیمی به اقبال انجمن اسلامی به نهضت اذعان می‌کند: «مرحوم دکتر سامی و مولوی و صباغیان و توسلی و... جزء انجمن اسلامی بودند. در انجمن بحث شده بود که حالا که نهضت تشکیل شده بهتر است که همه برویم و عضو شویم» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰).

مهندس توسلی درباره نهاد «متاع» که زمینه‌ساز اصلی انجمن‌های اسلامی بوده است، خاطر نشان می‌سازد: «منابعی که نهضت برای عضوگیری استفاده می‌کرد، چند منبع اصلی بود... مثل انجمن اسلامی دانشجویان که خودبه‌خود با نهضت آشنا می‌شدند و درخواست عضویت می‌دادند. ما جلسات عمومی داشتیم که افرادی به مناسبت‌های مختلف در این جلسات شرکت می‌کردند و با نهضت آشنا می‌شدند و درخواست عضویت می‌دادند... علاوه‌بر انجمن اسلامی مهندسين و معلمان و پزشکان، انجمن اسلامی بانوان هم بعد از سال ۳۶ تشکیل شد... انجمن‌های اسلامی بستری برای رشد و تربیت کار جمعی بود» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).

در مورد نقش «متاع» (مکتب تربیتی - اجتماعی - عملی) تصریح شده است که: «متاع فقط یک جلسه‌ای بود که از سال ۱۳۳۵ شروع شد و تا سال ۱۳۵۸ ادامه داشت... همانجا بود که هماهنگ شدیم... وقتی نهضت آزادی تشکیل شد، دیگر ما شرایط عضویت خاصی نداشتیم. این افراد یا از درون انجمن می‌آمدند یا از نهضت

مقاومت و یا از کمیته راه‌آهن» (سحابی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۸).

از دیگر زمینه‌های مهمی که کانالی برای ورود افراد به نهضت می‌شد، «مسجد» بود (میثمی، ۱۳۸۷: جلسه هشتم). توسلی در مورد جلسات مسجد هدایت آیت‌... طالقانی اشاره می‌کند: «غیر از مسجد هدایت که پایگاه مرحوم طالقانی بود، از مساجد معدود دیگری نیز استفاده می‌شد. از جمله از مسجدی واقع در خیابان حافظ... مسجد هدایت نقش مؤثری در تربیت این افراد داشته است» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).

البته مساجد دیگر هم بی‌تأثیر نبودند: «یک مقدار مسجد جلیلی و مسجد نارمک هم تأثیرگذار بود» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

از «مسجد و دانشگاه» به‌عنوان منابع جغرافیایی نهضت یاد شده است (احمدی، ۱۳۸۰: ص ۲۹۵) اما از دیگر زمینه‌های مشترک قبلی اعضا، می‌توان به «مناسبت‌های مذهبی» اشاره نمود. میثمی فراهم شدن زمینه عضویتش را در نهضت آزادی در همین مناسبت‌ها می‌داند (میثمی، ۱۳۸۷: جلسه چهارم). برنامه‌های انجمن اسلامی در مناسبت‌ها، خود بستری برای جذب افراد بوده است: «... انجمن اسلامی دانشجویان در مقاطعی از سال جلسات عمومی داشت مثلاً در عید فطر همواره برنامه و جشن داشتند و مهندس بازرگان سخنران آن جلسات بودند؛ و این بستری بود برای جذب و عضوگیری حزب ... برنامه‌های دهه محرم هم بستری برای ارتباط و آشنایی... با افکار و اندیشه‌های نهضت آزادی بود» (توسلی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲).

میزان شناخت فرد از نهضت آزادی: موضوع‌های موردبررسی قبلی به‌خودی‌خود تا حدود زیادی مبین «میزان شناخت فرد از نهضت آزادی» بود و لذا از تکرار مکررات اجتناب می‌نماییم. در فضای سیاست‌زده و مشوش آن دوره، منطقی‌اً افراد برای عضویت، بدون شناخت سراغ هیچ گروهی نمی‌رفتند. از طرفی نهضت هم مانند گروه‌های چریکی، نه تنها یک گروه مخفی نبود، بلکه داعیه حزبی هم داشت: «قاعدتاً کم‌وبیش شناختی داشتند که می‌آمدند سراغ ما» (حکیمی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۲/۲۰). «خود فرد هم معمولاً شناختی از گروه داشت و بعد به سراغ ما می‌آمد» (جعفری، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۹/۴/۸).

البته این شناخت از کانال‌های متفاوتی مانند شرکت در مراسم و مناسبت‌های مختلف مذهبی، انجمن اسلامی و... به دست می‌آید که در قسمت قبلی به آنها اشاره کردیم؛ یک راه دیگر این شناخت از طریق رابطه‌های دوستی حاصل می‌شد: «شناخت‌ها به معنای تشکیلاتی نبود و به معنای رابطه‌ای و توصیه‌ای بود. مثلاً شما آقای رجایی را می‌شناختید و می‌دانستید خوب است و به او می‌گفتید به نهضت بیاید» (تبریزی، مصاحبه نگارنده، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱). بعد از تشکیل نهضت، به واسطه همان کاریزمای رهبران، آنهایی که با مسائل سیاسی آشنایی داشتند، کم‌وبیش آن را می‌شناختند؛ به ویژه اینکه نهضت کاملاً علنی بود. از طرفی در انجمن‌های اسلامی هم افراد را به سمت نهضت سوق می‌دادند. بنابراین افراد با شناختی هرچند نسبی به سراغ نهضت می‌آمدند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد شیوه‌های عضوگیری جریان فکری نهضت آزادی طی سال‌های وقوع انقلاب اسلامی واکاوی شود. این جریان در اوایل انقلاب زمام دولت انقلابی را به دست گرفت و به این علت نوع و شیوه عضوگیری این جریان از نظر تاریخی حائز اهمیت شمرده می‌شود. نکته جالب این است که این گروه هم قبل از انقلاب و هم بعد از انقلاب در زمان تصدی قدرت، به علت ماهیت محافظه‌کارانه خود موفق به حفظ اعتبار و جایگاهش نشد و زمام امور را از کف داد. در دوره قبل از انقلاب، گرایش‌های معطوف به رویکردهای غرب‌گرای نهضت (محافظه‌کاری در قالب یک رفتار حزبی) و طبعاً تأثیر آن بر نوع تعامل با رژیم شاهنشاهی در قیاس با گروه‌های انقلابی آن دوره، فعالیت‌های آن را تا آنجا از دیگر گروه‌های مبارز مدعی متمایز ساخت که منجر به اعتراض برخی از اعضاء و گرایش آنها به گروه‌های رادیکال شد. در پایان مجموع نتایج به دست آمده را به صورت جدول ذیل ارائه می‌نماییم.

شيوه‌های عضوگيري نهضت آزادي	گروه شاخصه
عدم ارائه تسهيلات و كمك‌های مادی به افراد، جهت جذب	خدمات درون گروهی
تأثير بسيار وجهه آيت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان و دكتر سبحانی. همچنين بهره‌گيري ویژه از وجهه دكتر مصدق	تأثير وجهه افراد فعال و كاريزمای رهبران
سران نهضت، طبقه متوسط جديد محسوب می‌شدند، لکن غالب عضوگيري‌ها از دانشجویان طبقات متوسط و متوسط به پایین بود. در سطح غيردانشجویی توانستند بازاریبان روشنفکر را جذب کنند. در جذب كارگران ناموفق بودند.	طبقه اجتماعی - اقتصادی اعضای فعال
وضعیت اجتماعی گروه به دلیل كاريزمای رهبران گروه، در میان دانشجویان و فعالان سیاسی - مذهبی خوب بوده و در جذب گروه بسیار مؤثر بوده و گروه هم از این وضعیت خوب برای عضوگيري بهره می‌برده است.	وضعیت اجتماعی گروه
بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی و البته تا حدودی مسائل مذهبی بوده است. (ضعف عمده گروه در نگاه ایدئولوژیک به مسائل سیاسی و آموزش‌ها).	محتوای جذب
پاک بودن به لحاظ امنیتی، سلامت اخلاقی فرد به‌طور کلی، اعتقادات دینی با گرایش‌های تجددخواهانه و نوگرایانه دینی - که در مؤلفه تدین خیلی سخت‌گيري نداشتند - و عضوگيري از زن‌ها اهمیت داشته است.	مؤلفه‌های عضوگيري
بخشی از طبقه متوسط جديد شامل بخشی از روشنفکران سیاسی علاقه‌مند به مذهب و تکنوکرات‌ها و کارمندان و تعدادی از بازاریبان روشنفکر. تعدادی از زنان را جذب کردند. در جذب كارگران ناموفق بودند. بخش عمده اعضاء دانشجویان بودند.	قشر هدف عضوگيري
۲۰ تا ۳۵ سال متوسط بازه سنی اعضای نهضت بوده است. در نهضت هم برخی مبارزان سیاسی جبهه ملی و نهضت مقاومت ملی آمده بودند و هم از دانشجویان و انجمن‌های اسلامی که جوان بودند عضوگيري کردند. در سال‌های منتهی به انقلاب، دانشجویان و دیگر مبارزان، به سمت چپ‌ها و غالباً به سمت اسلام‌گراها رفتند تا نهضت آزادی.	متوسط بازه سنی
برخلاف جوانان نهضت، رویکرد قانونی نهضت آزادی و سران آن به‌ویژه مهندس بازرگان، مستلزم این بود که از فضاهاي راديکال و تند و انقلابی، رویگردان باشند. این فضا علی‌رغم اختلافات درونی تا ۱۷ شهریور ۵۷ ادامه داشت.	نگرش به عضوگيري
از پیشینه فرد، سلامت اخلاقی فرد مهم بوده است. رویکرد روشنفکری گروه باعث می‌شد که غالب افراد جذب‌شده، دكتر و مهندس و معلم و تکنوکرات و... باشند.	وضعیت و پیشینه فرد
انجمن‌های اسلامی، مسجد هدایت و مراسم مذهبی‌ای که نهضت برگزار می‌کرد.	زمینه‌های مشترک قبلی برای عضوگيري
گروه به‌واسطه كاريزمای رهبران و علنی بودن فعالیت‌ها، برای افراد شناخته‌شده بود و در انجمن‌های اسلامی هم برای نهضت تبلیغ می‌شده است.	میزان شناخت فرد از گروه

منابع

- بادامچیان، اسدا... مصاحبه نگارندگان، ۱۳۸۹/۳/۲۵.
- بادامچیان، اسدا... مصاحبه نگارندگان، ۱۳۸۹/۴/۲۴.
- تبریزی، مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰.
- تبریزی، مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۹/۳/۲۸.
- توسلی، محمد. مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۸/۱۲/۱۲.
- جعفری، محمد مهدی. مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۹/۴/۸.
- سحابی، عزت ا... مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۸/۱۲/۱۸.
- عبّاسی، حسن. مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۸/۷/۱۷.
- حکیمی، مصاحبه نگارندگان: ۱۳۸۹/۲/۲۰.
- احمدی، محمد. (۱۳۸۰). *نهضت آزادی و انقلاب اسلامی*، پایان‌نامه، دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
- بادامچیان، اسدا... (۱۳۸۴)، *بررسی تحلیلی نهضت آزادی ایران*، تهران: اندیشه ناب، چاپ اول.
- بسطامی، رضا (۱۳۸۴)، *خاطرات علی دانش منفرد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. چاپ اول.
- پالمر و دیگران، مولتی (۱۳۷۱)، *نگرش جدید به علم سیاست*، ترجمه منوچهر شعاعی. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وابسته به وزارت خارجه، چاپ سوم.
- پورقنبر، حسین (۱۳۸۷)، *زمینه‌ها و علل تشکیل هیأت‌های مؤتلفه و عملکرد آنان تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷*، پایان‌نامه، پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، گروه جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (از روی کار آمدن محمد رضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی)*، قم: نشر مورخ، چاپ هشتم.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۶)، *سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (۸۸-۱۳۴۴)*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج اول، چاپ سوم.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۵)، *سازمان مجاهدین خلق؛ پیدایی تا فرجام (۱۳۸۱-۱۳۴۴)*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ج دوم، چاپ دوم.
- دلاور، علی (۱۳۷۴)، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران: انتشارات رشد، چاپ اول.

سلطانی، مجتبی (۱۳۶۷)، *خط سازش، بررسی و تحلیل تحقیقی و مستندی پیرامون تاریخچه، مواضع و عملکرد نهضت آزادی ایران*، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.

صحیفه امام (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۲۰. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۷۳)، *زویای تاریک*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات حدیث، چاپ اول.

فلیک، اووه (۱۳۸۸)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، تهران: نشر نی، چاپ دوم. میثمی، لطف‌ا... (۱۳۸۶)، *از نهضت آزادی تا مجاهدین، خاطرات مهندس لطف ا... میثمی*، تهران: نشر صمدیه، ج اول، چاپ پنجم.

میثمی، لطف‌ا... (۱۳۸۴)، *آنها که رفتند، خاطرات مهندس لطف ا... میثمی*، تهران: نشر صمدیه، ج اول، چاپ دوم.

میثمی، لطف‌ا... (۱۳۸۷)، *خاطرات تحلیلی لطف ا... میثمی*، اینترنت، سایت چشم‌انداز ایران.

نجاتی، غلامرضا (۱۳۸۷)، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)*، تهران: رسا. چاپ اول.

یاحسینی، سید قاسم (۱۳۸۹)، *همگام با آزادی، خاطرات دکتر سید محمد مهدی جعفری*، قم: انتشارات صحیفه خرد، ج اول، چاپ اول.

یاحسینی، سید قاسم (۱۳۸۹)، *همگام با آزادی، خاطرات دکتر سید محمد مهدی جعفری*، قم: انتشارات صحیفه خرد، ج دوم، چاپ اول.

یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۶)، *در تکاپوی آزادی*، تهران: انتشارات قلم، ج اول، چاپ اول.

Almond, Gabriel A. and Coleman, James S., eds (1960), *The Political of Developing Areas*, Princeton: Princeton University Press.

Bonndel, Jean (1990), *Comparative Government*, Great Britain: Philip Allan.

Seligman, Lester E. (1967), *Political Parties and the Recruitment of Political Leaders*, New York: John Wiley and Sons.